

این مدرسه هوشمند که می گویند؛ یعنی چه؟

نشست رشد مدیریت مدرسه
درباره چالش‌های پیش روی مدارس هوشمند

تنظیم: یاسمن محمودی

می‌گردد

از مدیران و آموزشکاران علاقه‌مند شهر تهران را فراخواند تا در میزگردی موضوع مدارس هوشمند را مورد بحث و بررسی قرار دهند. در مدارس هوشمند سیستم بر روی رایانه مرکزی مدرسه نصب می‌شود. این رایانه با اتصال به تعداد زیادی از خطوط تلفن، در طول شبانه‌روز آماده ارائه خدمات است. این سیستم امکانی را فراهم می‌آورد تا دانش‌آموزان، اولیا و

اشاره در این شماره از مجله رشد مدیریت مدرسه، قرار است به بحث درباره مدارس هوشمند در ایران بپردازیم و علاوه بر آشنایی با تعریفی مختصر از مدارس هوشمند، مسائل و مشکلات ایجاد چنین مدرسی را نقد و بررسی کنیم.» دکتر حیدر تورانی، سردبیر، با ارسال چنین نامه‌ای اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله و چند تن

معلمان و کادر مدرسه، در تعامل همیشگی و پویا، برنامه‌های خود را پیش ببرند. امکان اطلاع‌رسانی صوتی و تصویری، ارتباط با مربیان، ارائه انتقادات و پیشنهادهای، پرسش و پاسخ و سایر موارد ضروری از جمله کارکردهای مدارس هوشمند است. در این مدارس دانش‌آموزان نیز با داشتن یک کامپیوتر در منزل همیشه با سیستم مدرسه خود در ارتباط خواهند بود؛ لذا می‌توان گفت مدرسه هوشمند هیچ وقت تعطیل نیست. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های مدارس هوشمند، این است که دانش‌آموزان با تفکر مستقل و ابراز خلاقیت، توانمندی خود را به کار می‌گیرند و فضای حاکم موجب به‌کارگیری توانمندی‌های مربیان، معلمان و اولیا برای تقویت آموزش و پرورش می‌گردد و به‌طور کلی محیط مدرسه، مشوق یادگیری و باعث ایجاد انگیزه و رغبت در مجموعه می‌شود. ولی آیا مدارس هوشمندی که در کشور ما راه‌اندازی شده است، واجد چنین ویژگی‌هایی هستند. این موضوعی بود که همراه با چند نکته دیگر در میزگرد مدارس هوشمند مورد بررسی قرار گرفت.

□□□

دکتر حیدر تورانی، سردبیر رشد

مدیریت مدرسه، بحث دربارهٔ مدرسه هوشمند را با این نقد آغاز کرد که: «مجهز شدن به اتوماسیون اداری و آموزشی، تنها دلیل هوشمند بودن نیست. برای بهتر شدن باید شوق یادگیری و تغییر وجود داشته باشد و نگرش‌ها تغییر کند. وقتی این عوامل در مدرسه‌ای فراهم شود، آن مدرسه رو به هوشمندی می‌رود. اگر

فردی از لحاظ ذهنی مشکل داشته باشد، هرچقدر به او امکانات دهیم و تجهیزاتی را بیشتر و پیشرفته‌تر کنیم، چون مدل ذهنی او فعال نیست، به هدفمان نمی‌رسیم. ما باید کاری انجام دهیم که مدرسه‌های ما با واجد شدن به ساز و کارهای یک سازمان یادگیرنده، حرکت به سوی تغییر را شروع کنند. در مرحله بعد می‌توانیم با اضافه کردن امکانات و تجهیزات، این یادگیرندگی را تکمیل کنیم.

من معتقدم، تمام مدارس ما هوشمند و سازمانی یادگیرنده هستند، اما درجه پایینی دارند. بحث یادگیرندگی، باید با دارا بودن مدل ذهنی، وجود انگیزه و شوق برای بهتر شدن و تجلی و بروز شوق یادگیری، باید در مدارس ما بین معلم، خانواده و دانش‌آموز قابل مشاهده باشد و اتفاق بیفتد. معلم باید رهبر آموزشی کلاس باشد، نه این که فقط آموزش بدهد. زمانی که مدیر در مقام رهبر تحولی مدرسه و منادی تغییر، اثربخشی، مشارکت و بصیرت مشترک و معلم رهبر آموزش در کلاس درس و سازمان، سازمانی یادگیرنده شود و رویکرد یادگیرندگی به جای رویکرد آموزش قرار گیرد، می‌توان گفت که خصوصیات یک مدرسه هوشمند را دارا شده‌ایم و صرفاً در این مرحله است که سخت‌افزار، نرم‌افزار و تجهیزات می‌توانند برای تکمیل این چرخه به کار بیایند.

هر مدرسه‌ای که بتواند بیشتر به سیستم دانش و اطلاعات دست یابد و به نحو احسن از آن استفاده کند، هوشمند است. وگرنه صرف وصل شدن به اینترنت و یا قرار دادن دستگاه حضور و غیاب در مدرسه، از نشانه‌ها و علائم هوشمندی نیستند. وقتی هدفمان مدارس هوشمند است، باید به معنای درست آن برسیم؛ وگرنه با یدک کشیدن این اسم، اصل قضیه را از دست می‌دهیم و این نکته‌ای

است که به نظر می‌رسد امروزه در بعضی از مدارس دیده می‌شود.

مدرسه هوشمند، باید تغییرپذیر باشد

مدرسه‌ای هوشمند است که بتواند با توجه به پیشرفت جامعه، پیشرفت کند، تغییرپذیر باشد و به‌روز شود.

سیدسپهر رضایی، مدیر بنیاد فرهنگ زندگی (مرکز مطالعات و آموزش پیشرفته نیروی انسانی)، که از دیگر افراد شرکت‌کننده در این میزگرد بود، با بیان عبارت فوق افزود: «متأسفانه معنای مدرسه هوشمند با مدرسه مجهز به امکانات اشتباه گرفته شده است. باید از بعد تربیتی و علوم تربیتی به مدارس هوشمند نگاه کنیم، نه از دید فنی مهندسی که صرفاً داشتن تجهیزات در مدارس را عامل هوشمندی می‌دانند. هرچند این عوامل تأثیرگذارند، اما پایه و ریشه نیستند.

رضایی، در ادامه نظر خود را دربارهٔ مدارس هوشمند این گونه بیان کرد: «بنده به این نتیجه رسیدم که آموزش و پرورش یک جنگ تن به تن است و نه یک جنگ نظام‌مند استراتژیک. نسل نوجوان در جنگ تن به تن آموزش و پرورش موفق هستند، چراکه در حال حاضر یک دانش‌آموز شانزده ساله می‌تواند کلی از مشکلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مدرسه را رفع کند.

متأسفانه در حال حاضر وجود یک یا چند اتاق یا کارگاه کامپیوتر در مدارس، ما را به یک وضعیت پز مدرن رسانده است. من پز مدرن را در مقابل واژه پست مدرن استفاده می‌کنم. ما فقط پز می‌دهیم و دیگر هیچ. ما از امکانات به عنوان پز استفاده می‌کنیم. درک مدرنیزاسیون، فرایند روانی می‌خواهد و طی کردن فرایند روانی حوصله می‌طلبد. توسعه،

دکتر فریبرز حمیدی



سید سهیل رضایی



مهندس غلام بزرگر



چیست، انجام داده است. در نتیجه، عامل اصلی، کمبود نشاط در دانش‌آموزان گزارش شده است.»

صادق پور در ادامه افزود: «چند سال پیش در جلسه‌ای شنیدم که شاخص‌های ارزیابی در آمریکا را بررسی کرده‌اند. بین عوامل مختلف یک عامل انتخاب شد و آن شاخص، شوق آمدن بچه‌ها به مدرسه بود. با این تفاسیر، من نگرانم که اگر تدابیر لازم در هوشمندسازی مدارس صورت نگیرد، حداقل شوق موجود در دانش‌آموزان از بین برود.»

وی در ادامه گفت: «در تعاریف مدرسه هوشمند داریم: دانش‌آموزان در مدرسه هوشمند نقش یاددهنده و یادگیرنده را برعهده دارند. در این مدرسه برنامه درسی محدودکننده نیست و به دانش‌آموزان اجازه داده می‌شود از برنامه‌های درسی خود فراتر گام بردارند. در این مدرسه، روش تدریس براساس دانش‌آموزمحوری است. تأکید بر مهارت فکر کردن و فراهم ساختن محیط یاددهی-یادگیری از راهبردها و خط‌مشی‌های مدرسه است. در مدرسه هوشمند، اگر روح پژوهش و جست‌وجوگری جایگزین بی‌هدفی دانش‌آموزان شود، موفقیت دست‌یافتنی است.»

مدرسه هوشمند، انبار تجهیزات نیست

دکتر فریبرز حمیدی، مدیر دبستان رشد تهران، سخن خود را با ذکر دو نکته آغاز می‌کند:

«باید در آموزش و پرورش از مدارس هوشمند تعریفی عملیاتی داشته باشیم نه یک تعریف مهندسی که صرفاً انباشتن مدرسه امکانات و تجهیزات را در بر می‌گیرد. - داشتن مدل و الگو.»

وی افزود: «مدرسه هوشمند مدل و الگو می‌خواهد که براساس آن نیازهایمان را مشخص و سپس تهیه و پیاده‌سازی کنیم. براساس مدل نمونه به سوی جلو گام برداریم. با این روش مشخص می‌شود که دنبال چه اهدافی هستیم و چه آینده‌ای را می‌خواهیم برای نظام تعلیم و تربیت ترسیم کنیم.»

در مدرسه هوشمند جایگاه افراد باید تعریف شود و آن‌ها را براساس توانمندی‌هایشان به‌کار گیرند. ما قصد داریم فرایند آموزش را در مدرسه هوشمند با ابزارها تسهیل کنیم»

حمیدی گفت: «هدف از آوردن بچه‌ها به مدرسه فقط آموزش نیست؛ چراکه در این صورت آموزش از راه دور و اینترنت هم جوابگوست. هدف، فعالیت‌های اجتماعی و گروهی است. مدرسه هوشمند چند مؤلفه دارد. باید فعال و پویا باشد. همه عناصر آن اعم از دانش‌آموزان در آن فعال باشند. اگر بتوانیم در مدرسه هوشمند سازمان یادگیرنده ایجاد کنیم، این سازمان در طول زمان یاد می‌گیرد که چگونه عملکردهایش را معقول کند و برای هوش فردی و جمعی افرادی که در آن سازمان هستند، اهمیت قائل شود. و کلام آخر این که مدرسه هوشمند اگر اتفاق بیفتد، در اثر تعامل بین نیروی انسانی، کتاب درسی و فرایند، آموزش صورت می‌گیرد.»

عنصر صبوری است و خصیصه‌ای روانی به نام صبر، به شما اجازه می‌دهد چند سال صبر کنید. کار پژوهشی، صبوری می‌خواهد. ما بیشتر از احساس حقارت به توسعه می‌رسیم تا از پژوهش کردن. وقتی می‌گوییم بزرگ‌ترین بیمارستان خاورمیانه، روی کلمه بزرگ تأکید داریم و کار می‌کنیم. در صورتی که توسعه روی عنصر تأثیرگذاری کار می‌کند، نه حجم. ما ابزارهای پزردن را جذب می‌کنیم و فقط دنبال پز دادن به دیگران هستیم. فقط آمار می‌دهیم و از محتوا کمتر حرف می‌زنیم.»

شوق یادگیری و شوق آمدن به

مدرسه

شوق آمدن به مدرسه‌ای که موفقیت را دست‌یافتنی می‌سازد، از مهم‌ترین اهداف طرح مدرسه هوشمند بوده است.

صادق صادق‌پور، مدیر مجتمع آموزشی رشد و از دیگر اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله‌باین این نکته می‌گوید: «یکی از مؤسسان مدارس غیردولتی که یازده مدرسه دارد، نظرسنجی‌ای را مبنی بر آن که بزرگ‌ترین مانع یادگیری از نگاه مخاطبان یعنی دانش‌آموز، اولیا و همکاران

هر مدرسه برای هوشمندشدن نسخه‌ای خاص می‌خواهد

اگر قرار باشد پایه و اساس هر طرحی گفته‌ی یک وزیر باشد و با تعویض او طرح از بین برود، حتی این جلسه و صحبت‌های ما و کارهایی که قرار است انجام شود، بی‌په‌وده خواهد بود. اما اگر ثابت و قانونی باشد، قطعاً با حوصله به نتیجه خواهیم رسید.

مهندس غلام برزگر، مدیر هنرستان هفتم تیر تهران، این موضوع را بیان کرد و در ادامه گفت: «نکته‌ی دیگری که من در حیطه‌ی کاری خود با آن درگیر هستم، این است که نسخه‌ای که برای مدارس گوناگون پیچیده می‌شود، باید متفاوت باشد. عنوان و هدف یکی است، اما دوز دارویی که تجویز می‌شود، باید فرق داشته باشد. نیاز دانش‌آموزی که در منطقه‌ی یک درس می‌خواند، با دانش‌آموزی که در منطقه‌ی بیست تهران تحصیل می‌کند، بسیار متفاوت است. تنها با مهیا کردن امکانات و تجهیزاتی که دوستان گفتند، نمی‌توان به هوشمندی رسید. مثلاً شاید داشتن یک رایانه برای دانش‌آموز منطقه بیست، دور از انتظار باشد، پس بودن تنها یک رایانه در این مدرسه، نکته‌ای مثبت است.

در کل، معلم ما اگر توانا و آموزش‌دیده باشد، می‌تواند روش‌های مختلفی را برای شرایط مختلف اتخاذ کند. معلم با آموزش اولیه و آموزش روان‌شناسی، باید محیط و مخاطب را بشناسد بلکه مشکلاتمان تا حدی حل شود»

هوشمندسازی مدارس، مسئله اصلی آموزش و پرورش ما نیست!

هنگامی که مدارس عادی ما با مشکلات بسیاری مواجه هستند، چگونه می‌توانیم مدرسه هوشمند راه‌اندازی کنیم. با این وضعیت سرعت اینترنت در کشور و پهنای باند نامناسب، به‌جای راه‌اندازی مدارس هوشمند بهتر است به فکر ساختن مدارس عادی و معمولی در روستاها و شهرهای کوچک و حتی سروسامان دادن به مدارس معمولی باشیم.

دکتر محرم آقازاده، مدرس دانشگاه در رشته برنامه‌ریزی درسی و عضو شورای مجله رشد مدیریت مدرسه، با بیان این نکته افزود: «من فکر نمی‌کنم در حال حاضر مدرسه هوشمند مسئله اصلی ما باشد!»

وی افزود: «تاریخچه آموزش‌های الکترونیک صرفاً به پایان رسیده است و در بهترین حالت، کار تلفیقی اتفاق می‌افتد. پس این موضوع را از ذهنمان خارج کنیم که روزی مدارس به شبکه می‌پیوندند و مشکلاتمان حل می‌شود. تکنولوژی حل‌کننده مشکلات نیست، انسان‌ها باید آن را حل کنند. چند سال پیش با مرحوم مهندس **علاقه‌مندان** تصمیم گرفتیم که یک مدرسه یادگیرنده تشکیل دهیم. مدرسه یادگیرنده به نوعی همان مدرسه هوشمند است. در این مدرسه، مدیر باید خودگردان و معلم خودنظم‌جو باشد، یعنی بتواند خودش را اداره کند. در این صورت ما پیکره‌ای داریم که خودیادگیرنده است. مدرسه یادگیرنده با قابلیت‌هایی که دارد، دارای توانایی و رشد متوازن می‌شود.»

دکتر آقازاده در پایان گفت: «در آخر می‌گوییم: ماشینی کردن آموزش، مشکل را حل نمی‌کند، ما باید منابع انسانی را قوی‌تر کنیم»

هوشمندی مدارس مسئله نیست، چالش است

هوشمندی مدارس مسئله ما نیست، اما چالشی است که در حال حاضر ایجاد شده، باید به دنبال آن باشیم که این چالش چگونه حل می‌شود؟

مر ترضی مجدفر، سردبیر رشد آموزش ابتدایی و عضو شورای سردبیری مجله رشد مدیریت مدرسه، علت به وجود آمدن این چالش را این‌گونه توضیح می‌دهد: «در حال حاضر، تئوری‌سازی، راه‌اندازی و پایش عملکرد مدارس هوشمند، به‌جای این که به دست متخصصان علوم تربیتی باشد، به دست مهندسانی افتاده است که نگاه فروش‌انبار به آن دارند و هر چقدر بتوانند بیشتر وسیله بفروشند، می‌گویند فلان مدرسه

و منطقه بیشتر هوشمند شده است. مدیر مدرسه، داشتن تخته الکترونیکی و سایر تجهیزات را باعث هوشمندی می‌داند. من این مسئله را کاملاً لمس کردم؛ در یکی از مدارس شهرهای غرب استان تهران که در بحث هوشمندی بسیار مدعی است، سخنرانی داشتیم. وقتی سخنرانی‌ام تمام شد، خواستم از روی مطالبی که روی تخته الکترونیکی نوشته‌ام، برای همه معلمان کپی بگیرند. اما هیچ‌کدامشان نمی‌دانستند که تخته الکترونیکی آن‌ها چنین امکانی را داشته باشد. کاش قبل از تجهیز امکانات، روش استفاده از آن‌ها را یاد می‌گرفتیم و این متأسفانه همان پز مدنی است که آقای رضایی به آن اشاره کردند.»

سردبیر رشد آموزش ابتدایی، با اشاره به این جنبه از تعریف مدارس هوشمند می‌گوید: «در واقع، کامپیوتر جایگزین تخته‌سیاه و سی‌دی جایگزین دفتر مشق شده است. در این سیستم، معلم و دانش‌آموز هر دو تولید محتوای الکترونیکی و درس را به صورت سی‌دی ارائه می‌کنند، ولی باید ببینیم آیا شوق یادگیری و لذت حضور در مدرسه هم در بین دانش‌آموزان ایجاد شده است؟»

نقد و نظرها درباره مدارس هوشمند همچنان ادامه دارد. در این عصر که کامپیوتر یک نیاز است و ما برای عقب نماندن از جامعه‌ای که با رایانه تحول می‌یابد، به سیستم آموزشی همین عصر نیازمندیم، از این موضوع نباید غافل شویم که استفاده از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای نابه‌جا می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به آموزش وارد کند. برای ایجاد مدارس هوشمند و ورود فناوری اطلاعات به مدارس، وزارت آموزش و پرورش باید بانک‌های اطلاعاتی قوی و هماهنگی ایجاد کند تا خدمات آموزشی را به سهولت در دسترس مدارس قرار دهد. به امید روزی که ایجاد مدارس هوشمند راهی باشد در جهت رشد فکری دانش‌آموزان این مرز و بوم، نه صرفاً عاملی برای ارائه آمار و نشان دادن موفقیت ظاهری.